

نگاهی به کارنامه اصغر فرهادی در سال‌های اخیر به بهانه زادروزش

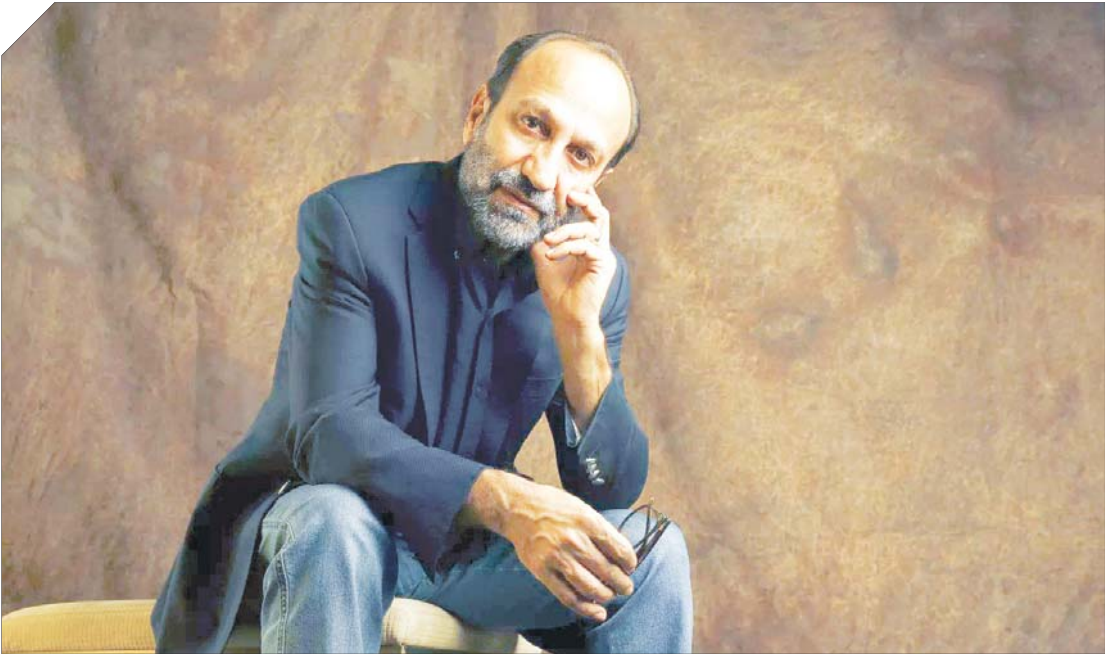
تولدِ دوباره



بهناز شیربانی

دو سال گذشته برای اصغر فرهادی خوش‌بم نبود. درست از زمانی که «قهرمان»، آخرین ساخته سینمایی او، در جشنواره فیلم کن ۲۰۲۱ به نمایش گذاشته شد؛ فیلمی که پیش از آن‌ران در ایران، توجه مخاطب جهانی را به خود جلب کرد و جایزه بزرگ هیئت داوران جشنواره فیلم کن را مشترکا با فیلم «کوبه شماره ۶» به خود اختصاص داد. هرچند نشست خبری جشنواره فیلم کن درباره چرایی ساخت «قهرمان» برای فرهادی چالش‌برانگیز و پرحاشیه بود اما این حواشی در مقابل چیزی که او زمان آن‌ران فیلمش در ایران تجربه کرد، چشمگیر نبود. هم‌زمان با آن‌ران فیلم در ایران، آزاده مسیح‌زاده، یکی از هنرچویان کارگاه فیلم‌سازی اصغر فرهادی، به دلیل سرقت ادبی از طرح فیلم مستند او از سوی فرهادی در فیلم «قهرمان» به دادگاه شکایت کرد. شکایت مسیح‌زاده و صحبت‌های بعدی که درباره این موضوع جنجالی از سمت حقوق‌دانان، اهالی رسانه و سینما و منتقدان و حتی بازیگران رسانه‌ای شد، عملا مسیر تازه‌ای را پیش‌روی فرهادی قرار داد. درست یک سال بعد فرهادی در جشنواره فیلم کن ۲۰۲۲ که این بار به عنوان یکی از داوران بخش رقابتی جشنواره در آن حضور داشت، صحبت‌های کوتاهی درباره

حواشی ایجادشده برای فیلم «قهرمان» انجام داد و در بخشی از صحبت‌هایش تأکید کرد مستند «دو سر برد، دو سر باخت» ساخته آزاده مسیح‌زاده چیزی بود که من در یک کارگاه دیدم. من در مورد آن با دانشجو صحبت کردم اما خیلی بعد، فیلم «یک قهرمان» را ساختم و نمی‌توان به آن به‌عنوان یک سرقت ادبی نگاه کرد. درواقع در «قهرمان» آنچه در فیلم وجود دارد چیزی کاملا متفاوت است. مشخصا این ماجرا یک مقدار احساس ناخوشایندی ایجاد کرده است، اما فیلم من بر اساس مستند ساخته نشده و حتی پیشنهاد شد که درآمد فیلم بین ما تقسیم شود. فکر می‌کنم بدون شک موضوع روشن خواهد شد و متأسفم که این‌قدر احساس ناخوشایند ایجاد کرده است. اما آبان سال گذشته بود که مجله نیویورکر در گفت‌وگو با همکاران و بازیگران فیلم‌های سابق فرهادی بیشترسوابق سینمایی او را زیر سؤال برد. جاناتان گاردنر، وکیل فرهادی نیز در واکنش به نیویورکر نوشت: «نیویورکر تمام نظرات و شواهدی را که آقای فرهادی به او درباره ادعاهای مطرح‌شده در مقاله داده کنار گذاشته و حذف کرده است». اما نیویورکر در پاسخ صحبت وکیل فرهادی گفت: «خبرنگار این رسانه به‌طور مفصل با آقای فرهادی



را انجام نداد و بلافاصله بعد از آن ماجراهایی پیش آمد که همه از آن باخبریم. ماجراهای فیلم «قهرمان» و مشکلی که با آزاده مسیح‌زاده پیش آمد، چالش بعدی اصغر فرهادی بود.

به‌رحال در جریان این پرونده حقوقی آزاده مسیح‌زاده یک‌سری مدارک و فیلم مستندی داشت و در مقابل اصغر فرهادی هم مدارکی از جمله دست‌نوشته‌ای از خانم مسیح‌زاده داشت. جزئیات این پرونده تا حدی عمومی شده است و رسانه‌های داخلی و خارجی به تفصیل به جزئیات آن پرداختند. به‌رحال یک‌سری ادعا و استدلال از دو طرف وجود دارد. به نظر

می‌رسد اصغر فرهادی دلایل خودش را داشت و کوتاه نیامد.

به‌نظرم وقتی فیلم «قهرمان» در آستانه معرفی به اسکار بود، اصغر فرهادی می‌توانست با رفتارهای میانجیگرانه خانه سینما نرمش نشان دهد و ماجرا به شکل دیگری رقم می‌خورد. کمالاینکه خانم مسیح‌زاده هم آن موقع به نظر می‌رسید آمادگی این را داشت. اما فرهادی تصمیمش این بود و کار کشید به جایی که همه در جریانش هستیم و با توجه به بازتابی بیشتر بین‌المللی که موضوع پیدا کرد و رسانه‌های خارجی به آن پرداختند و فیلم مستند آزاده مسیح‌زاده که پخش شد، کار به آن سوی مرزها رسید. اصغر فرهادی فیلم‌سازی جهانی است که دو اسکار در کارنامه‌اش دارد و شهرت بین‌المللی و اعتبارش بر کسی پوشیده نیست. با این تفاسیر ناگهان خبر می‌رسد با یکی از هنرچویانش بر سر یک فیلم‌نامه درگیر شده. هر صورت این ماجرا برای فرهادی برد محسوب نمی‌شد و تصمیم اصغر فرهادی، ادامه‌دادن این‌ موضوع حقوقی بود. تصمیمی که به زعم من فرهادی به تبعاتش جدی فکر نکرد.

تصور می‌کنم مشاوران خوبی هم نداشت با اصولا به تصمیم و تشخیص خودش اکتفا کرد. در هر صورت به نظرم بهترین کار را انجام نداد و تبعاتش به‌صورت تصاعدی زیاد و کنترل از دستش خارج شد. به‌رحال در آن بازه زمانی از دوستانی که خارج از ایران هستند مطلع می‌شدم که فضا بیرون از ایران از ابتدای این دعوای حقوقی برای اصغر فرهادی مثبت نبود. با توجه به اینکه مستند خانم مسیح‌زاده هم به‌صورت گسترده منتشر و دیده شد، بسیاری هم کنجکاو بودند که دقیقا ماجرا چیست؟ آیا اصغر فرهادی ایده‌ای را برای خود کرده یا فیلم را کپی کرده یا… با توجه به این فضا، همه چیز برای فرهادی کمی ناایمن و تیره شد و این به اعتبار فرهادی به‌شدت ضربه زد. «قهرمان» موفق نشد به جمع نامزدهای پائیلی اسکار راه پیدا کند و فرهادی و اثرش به‌شدت لطمه دیدند.

با شنکندهدشدن موقعیت اصغر فرهادی، این فرصت برای کسانی که با او رابطه داشتند یا منتقدش بودند یا عداوتی با او داشتند یا اطلاعات دیگری داشتند که ما نداشتیم، پیش آمد که دامنه این ماجرا را گسترده‌تر کنند و توسعه بدهند. مثلا علی خودسیانی خاطرات تاتر «ماشین‌نشین‌ها» را نقل کند یا دوستان دیگر این ادعا را مطرح می‌کنند که در فیلم‌های «فروشنده»، «درباره‌ الی» یا «جدایی نادر از سیمین» هم با چنین موضوعی روبه‌رو شدند. یا چهره‌هایی مثل مانی حقیقی و… ادعاها و مسائلی را مطرح کنند که در مقاله مفصل نیویورکر به جنبه‌های مختلف آن اشاره شد و اساسا کارنامه فرهادی را زیر سؤال برد که اکثر فیلم‌های موفق او یا حتی سریالی مثل «داستان یک شهر» هم چنین حواشی داشته است. حتی صحبت‌های حمید نعمت‌الله در مورد این جریان توجه بسیاری را جلب کرد.

عملا تمام کارنامه فرهادی گره خورد با اینکه او ایده آثارش از خودش نیست یا متأسفانه از افراد دیگری ایده‌ها را برمی‌دارد و این تبدیل شد به یک ویژگی برای فرهادی و شخصیت هنری او ترور شد. اما به نظرم واکنش‌هایی که اصغر فرهادی نشان داد یا نشان نداد، موضوع درخور تاملی است.

در این مدت، یکی بزنامگی درباره یک چهره سینمایی مهم بین‌المللی اتفاق افتاد. اینکه مشخص بود ظاهرا همه جمع‌نقدی‌ها مقابل این همه‌ها و حمله‌ها چه کاری باید انجام بدهد. جمعت‌نقدی‌ها مقابل بسیاری از این

حملات را گرفت. درنهایت به نظر می‌رسد اقبال جهانی از اصغر فرهادی تقریبا کاهش زیادی پیدا کرد.

به‌رحال اصغر فرهادی فیلم‌های مهمی را در تاریخ سینمای ایران ساخته است. هرکدام از آنها همین الان هم فیلم‌هایی دیدنی و بسیار شایان توجه است. بعد از این ماجرای حقوقی، نکاتی از سمت منتقدانش درباره قسمت فیلم‌نامه آثارش گفته شد اما درباره توانایی کارگردانی و اجرای او شکی وجود ندارد که یکی از بهترین‌ها در دنیاست. بااین‌حال باید پذیرفت که لطمه اساسی به وجه هنری اصغر فرهادی وارد شده است؛ چراکه با گسترش ادعای کپی یا برداشتن سوزه یا ایده از افراد دیگر، عملا بخشی از اعتبار او که متعلق به نگارش فیلم‌نامه‌هایش هست، به لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای زیر سؤال رفت.

با اینکه در این بخش نظراتی دارم، اما قضاوتی نمی‌کنم، ولی به‌رحال می‌توانم بگویم که بازنده این بازی اصغر فرهادی بود. او می‌توانست به شکل دیگری رفتار کند. درباره ایده‌هایی که با مشارکت دیگران به آن رسیده بود، نام آنها را به شکلی که باید قید می‌کرد. از این حرف‌م مطمئن نیستم، اما فکر می‌کنم گاهی نام آدم‌هایی که با او در تولید ایده و فیلم‌نامه مشارکت داشتند، معمولا در جایی مطرح شده که آنها را راضی نکرده یا مثلا ایده‌ای از فردی بوده و فرهادی به ذکر تشکر از او بسنده کرده است. طبیعی است که خود اصغر فرهادی بهتر می‌توانند درباره نحوه کارش صحبت کند. هر صورت، نارخانی‌ها از او ر انکار کرد. او آدم بسیار توانا، بااستعداد، خلاق و به ادعای آدم‌های زیادی که درست یا نادرست این فرض ایده‌پرداشتن از افراد متعدد یا مشارکت در نگارش فیلم‌نامه بدون قید نام به شکلی که شایسته یا خشان است و تعداد این ادعاها زیاد شد. طبیعی است که تکذیب‌کردن این موارد از سمت فرهادی روز به روز سخت‌تر شد، ولی آنچه مسلم است، اصغر فرهادی از مهم‌ترین کارگردان‌های سینمای ایران است. به‌هیچ‌وجه نمی‌توان او را انکار کرد. او آدم بسیار توانا، بااستعداد، خلاق و خوش‌فکری است. مهم‌تر از همه کارگردان بسیار خوبی است. بازیگران و عوامل درحیک بسیاری در داخل و خارج از ایران با او کار کردند.

به‌عنوان آدمی که از بیرون نگاه می‌کنم، به نظرم فرهادی کمی درباره فیلم‌نامه، قصه و ایده، انعطاف‌ناپذیر به نظر می‌رسد و عدم تعامل درست با همکارانش در این زمینه باعث می‌شود آدم‌ها احساس کنند بیش از حدی که باید، اصغر فرهادی وارد در اختیار فیلم‌نامه را تماما به خودش اختصاص دهد. به‌رحال بازهم تأکید می‌کنم اصغر فرهادی از مهم‌ترین فیلم‌سازان تاریخ سینمای ایران است. بخشی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما را او ساخته و امیدوارم اتفاقاتی رخ نهد تا اعتبارش بار دیگر برگردد. اگرچه به نظرم بسیار مشکل خواهد بود و به‌سادگی این اتفاق رخ نمی‌دهد. باید پذیرفت این اتفاق تلخ رخ داده و خوشایند هم نیست، ولی فکر می‌کنم بخشی از این اتفاق به خاطر این است که شاید واکنش‌های مناسبی به ادعاهایی که علیه او درست یا نادرست مطرح می‌شد و اتفاقاتی که حول او رخ می‌داد، داده نمی‌شد. فکر می‌کنم این مشکلی است که اصغر فرهادی باید خیلی زود آن را برطرف کند؛ چراکه شخصیتی در قامت او که نامش هرچند بزرگ‌ترین سینماگران دنیاست و در عرصه بین‌المللی از او نام برده می‌شود، نیاز به گروه مشورتی خوب و حرفه‌ای دارد که بسیاری از این اتفاقات و نحوه پاسخ‌گویی به آنها را با این گروه هماهنگ کند و به آنها بسیاراد، اشتباهاتش را تکرار نکند و سنجیده و حساب‌شده عمل کند؛ چراکه این اعتبار به‌سادگی به دست نیامده که به‌سادگی از دست برود. فکر می‌کنم در تمام این مدت اصغر فرهادی بیش از هر چیز از نداشتن مشاوران آگاه لطمه دید یا شاید اصلا مشاوری نداشت. در اتفاق‌ها و جنبش‌های اخیر او تلاش کرد موضوعی تا حد ممکن مناسب و همراه با مردم بگیرد، ولی طبعاً بازگشت فرهادی به جایگاه گذشته‌ش در داخل و خارج از ایران بسیار دشوار است.

صحبت کرده و این مقاله نقطه دید او را به تفصیل بررسی می‌کند و بازتابی از نظرات مفصل او هم هست». حواشی موضوعات حقوقی آخرین اثر فرهادی به قدری چشمگیر بود که خود اثر چندان دیده نشد. منتقدان بسیاری از اجرا و کارگردانی درست او در این فیلم سینمایی نوشتند. چنان که سعید عقیقی، منتقد و مدرس صاحب‌نام سینمای ایران، در گفت‌وگو با «ایسنا» اشاره کرد که «در سینمای ایران کم پیش می‌آید فیلمی را در سه روز نخست آن‌ران چهار بار ببینم و باز مشتاق تماشایش باشم. اهمیت فیلم برای من ربطی به نام کارگردان، مسائل غیرسینمایی و حتی جوایز و موفقیت‌هایی که به دست آورده یا ممکن است بعدها به دست یابورد، ندارد. «قهرمان» جهشی عجیب در کار فیلم‌ساز و یکی ازنقاط اوج کار او در پرداخت کلاسیک بر بستر واقع‌گراست. این را می‌شود در پاسخ‌دادن به ایده محرک فیلم‌نامه دید که مثل یک کلاف به‌طور دائمی دور ایده اولیه می‌پیچد تا آن را به نتیجه برساند و تمام فرضیه‌هایی که سال‌هاست به نادرست درباره کار فرهادی مطرح می‌شود، مثل «مدرنیسم» و «پایان بازی» را کاملا باطل می‌کند و نشان می‌دهد فیلم تا چه اندازه بر اصول سینمای کلاسیک -که ما

یادداشت

نگاهی دوباره به فیلم «چهارشنبه‌سوری»

حسی که دروغ نمی‌گفت



مازنار معاوینی

منتقد

اگرچه از منظر بسیاری از علاقه‌مندان جدی‌تر سینما، اصغر فرهادی با «درباره‌ الی» حضور پرقدرت خود در سینمای ایران و جهان را آغاز کرد اما واقعیت این است که این فیلم‌ساز متفاوت سه سال قبل از آن‌ران پرحاشیه جشنواره‌های «درباره‌ الی» و با ساخت درام اجتماعی «چهارشنبه‌سوری» توانایی خود در دراماتیزه‌کردن چالش‌های اجتماعی را به رخ کارشناسان و مخاطبین دنیای سینما کشیده بود. اهمیت «چهارشنبه‌سوری» زمانی بیشتر به چشم می‌آید که در نظر آوریم دو فیلم «رقص در غبار» و «شهر زیبا» که به ترتیب اولین و دومین ساخته‌های سینمایی بلند فرهادی محسوب می‌شدند، اگرچه هر دو فیلم‌هایی قابل‌تأمل و قابل‌دفاع بوده و هرکدام در جای خود حرف‌هایی برای گفتن داشتند اما تعلق آنها به سینمای خاص و ساختار مؤلف‌گونه و تجربی آنها مانع از این بود که در مقایسه با گونه‌های عام‌تر از سینما آن‌چنان‌که باید و شاید به چشم بیایند ضمن اینکه به‌رحال اصغر فرهادی با این دو فیلم قدم‌های اولیه خود در سینمای بلند را برمی‌داشت و کمی زمان لازم بود تا به کارگردانی تبدیل شود که حاضرین در سالن سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر را میخکوب توانایی‌هایش در نگارش و کارگردانی کند. به اینها می‌توان اضافه کرد پیشینه تلویزیونی کارگردان جوان آن سال‌های سینمای ایران را که به شکل بالقوه می‌توانست شائبه قابلیت فرهادی صرفا در چارچوب بسته تلویزیون را تقویت کند اما فرهادی با سومین فیلم بلند سینمایی خود بر تمام این فرضیات خط بطلان کشید.

در تقسیم‌بندی سینمای ایران بر اساس دهه‌های متوالی، دهه ۸۰ را به‌عنوان دهه سینمای اجتماعی در نظر گرفته‌اند، گونه‌ای که البته طلیعه آن به سال‌های انتهایی دهه ۷۰ و آغاز قابل تاملی مانند شوکران (بهروز افخمی) و زیر پوست شهر (رخشان بنی‌اعتماد) بازمی‌گردد ولی در سومین دهه پس از انقلاب یعنی سال‌های دهه ۸۰ دوران پررونق و اثرگذارى را به خود دید. در میان تمام آثار سینمای اجتماعی آن سال‌ها «چهارشنبه‌سوری» اصغر فرهادی یکی از بهترین، مؤثرترین و خوش‌ساخت‌ترین آثار سینمای اجتماعی است که هم در قالب یک فیلم موج‌ساز بر آثار اجتماعی پس از خود تأثیر گذاشت و هم با توانایی‌های فرهادی به عنوان کارگردان دست به قلمی که خود را محدود به مادیوم تلویزیون نمی‌داند مهر تأیید زد.

خیانت، بن‌مایه‌ای بود که فرهادی درام «چهارشنبه‌سوری» را بر اساس آن استوار کرد. اگرچه فرهادی بااستعداد و خلاق پازل‌های درام فیلم را به گونه‌ای چیده بود که در سرتاثر اثر هیچ نشانه و گواه آشکار و متقنی بر بروز خیانت به چشم نمی‌خورد و تماشاگر بسیار بیشتر از آنکه در ذهنش احتمال خیانت مرتضی‌ (با بازی حمید فرخ‌نژاد) را طرح کند، در تله فرهادی می‌افتاد که با خلق تصویری باورپذیر از یک زن دچار بیماری سه‌وجه‌ظن (پارانویذ) تماما در کار اتهام‌زنی‌های بی‌پایه و اساس به همسرش است، بدون آنکه کوچک‌ترین مدرک قابل‌اتکایی برای این‌س حجم از انتقادات مستمر خود داشته باشد. فرهادی که پیش‌تر از آن در قالب سریال‌های تلویزیونی خود به‌ویژه سریال «استان یک شهر» علاقه خود به طرح معضلات اجتماعی و نوآنگدش بر سایه‌روشن‌های مبهم و تابو‌فرض شده جامعه را در کارنامه خود داشت، این بار دغدغه‌مندی اجتماعی خود را به شکلی هنرمندانه در تار و پود درامی گرم و هیجان‌انگیز تبدیل تا دستمقر یک خانواده متوسط در کلان‌شهر آشنا و شناخته‌شده از طریق صورت‌سنجی که تبحر عجیبی در کنترل احساسات خود دارد تیران آن‌هم در مقطع حساس شب سعید (چهارشنبه‌سوری) که برخورداری‌ها و کمبودهای اقتصادی بی‌توانت مختلف اجتماع به شکلی عریان در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند، خلق شود.

در سومین فیلم فرهادی، حمید فرخ‌نژاد هرچند همان کلیشه همیشگی بازیگری‌اش مبتنی بر ترسیم یک کاراکتر پرهیجان، عصبی و حق به جانب را ارائه کرد اما انتخابش از سوی فرهادی برای ایفای نقش مرتضی یکی از بهترین انتخاب‌های ممکن در میان گزینه‌های آن روز سینمای ایران برای بازی در چنین نقشی بود. در مقابل به هدیه تهرانی نقشی سپرده شده بود که فرسنگ‌ها از پرسونای آشنا و شناخته‌شده او یعنی زن جذاب صورت‌سنجی که تبحر عجیبی در کنترل احساسات خود دارد دور بود. مزده (همسر مرتضی و به ظاهر اتهام‌زن مرتضی) یکی از متفاوت‌ترین نقش‌آفرینی‌های تهرانی در تمام طول چند دهه بازیگری‌اش بود که با فهم بالای بازیگر از نقش و هدایت درست فرهادی در مقام کارگردان به نقش خوب و ملموسی بدل شد.

از دیگر دلایل موفقیت فیلم نگاه فرامتنی آن یعنی توجه به شرایط رو به وخامت جامعه در سال‌های میانی دهه ۸۰ بود، جامعه‌ای که ادوار مختلفی از انقلاب و جنگ و آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی دوران موسوم به اصلاح‌را از پشت‌سرد گذاشته و به تبع گذشت زمان و تغییر شرایط حاکم بر جامعه درحال تجربه بحران‌های تازه‌ای است که بحران‌های اخلاقی و چالش‌های زندگی زناشویی از مهم‌ترین آنهاست. بحران‌هایی که به‌ویژه در شهرهای بزرگ و زندگی‌های تکنولوژی‌زده‌ای که آدم‌ها را هرچه بیشتر از هم دور کرده‌اند با هیبتی خشن‌تر و در قامتی برصلاطت‌ترخ می‌نمایند. «چهارشنبه‌سوری» دیده شد؛ چراکه جامعه‌ا آن روز ایران بخشی از تصویر خود و بحران‌ها و چالش‌های متلابه خود را در آن به‌وضوح می‌دید؛ هرچند فرهادی برای نزدیک‌شدن به مخاطب و واردکردن تلنگرهای درخبرکننده احساسی و عاطفی به او تنها از حربه رویکرد جامعه‌شناسانه استفاده نکرد و قلم توانایش در خلق کاراکترهای باورپذیر و موقعیت‌های ملموس را به کار گرفت تا معجون دلنشینی از نمایش و جامعه‌شناسی را هم‌زمان برای روح مخاطبین اثرش تدارک ببیند.

فیلم البته به‌جز اینها یک ترازه علیبدوستی (در نقش روحی/ خدمتکار خانه) و یک پاتنهٔ بهرام (سیمین/ معشوقه مرتضی) هم دارد که با بازی به اندازه و درک درست‌شان از نقش‌های محوله به جذابیت اثر کمک کرده‌اند. «چهارشنبه‌سوری» اگرچه درنهایت با پیروزی ظاهری مرتضی در قانع‌کردن همسرش (مزده) و استمرار زندگی زناشویی و خانوادگی آنها به پایان می‌رسد اما سکانس سوارشدن سیمین در اتومبیل مرتضی که شوک شدیدی را به تماشاگر وارد کرده و تمام تصورات ذهنی او را بر هم می‌ریزد، همچنان ماندگارترین تصویر به‌جامانده از فیلم است که بسیار بیشتر از پایان خوش موقتی فیلم در ذهن حک می‌شود. فرهادی سه سال پیش از موفقیت غیرقابل انکار «درباره‌ الی» با کام محکم و استوار «چهارشنبه‌سوری» دوران جدیدی در عرصه سینمای بلند برای خود رقم می‌زند که می‌توان از آن تحت عنوان تولد دوباره این فیلم‌ساز ارزشمند در سینمای حرفه‌ای یاد کرد. تولدی که «درباره‌ الی»، «جدایی نادر از سیمین» و ساخته‌های بعدی این فیلم‌ساز بااستعداد از نتایج وقوع آن بودند.